

## ایران و آمریکا از همراستایی تا تعارض ملت و دولت

محمد آرین منش<sup>۱</sup>، احمد جوانشیری<sup>۲</sup>، محسن مدیرشانه‌چی<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از الزامات دستیابی به ریشه‌ها و زمینه‌های یک موضوع، بررسی روند تاریخی آن موضوع است. اما آنچه می‌تواند مهم‌تر از تاریخ یک موضوع مورد توجه قرار گیرد، چگونگی فهم و یا تصور آن است. روابط ایران و آمریکا طی قریب به دو قرن گذشته با فراز و فرودهایی همراه بوده و صاحب‌نظران نیز نسبت به تقسیم‌بندی آن به دوره‌های مختلف اقدام نموده‌اند. رویکرد اصلی این مقاله توجه به تاریخ روابط دو کشور، از منظر ملت و دولت ایران در ادوار مختلف تاریخی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد. براساس یافته‌های پژوهش، روابط دو کشور به چهار دوره تاریخی تقسیم شده است. در دوره ابتدای روابط تا ۱۳۳۲ مناسبات دو کشور مثبت بوده و نوعی همراستایی در نگاه به این دوره بین ملت و دولت مشهود است. در دوره دوم که تا انقلاب ۱۳۵۷ به طول انجامیده شاهد نوعی تعارض در نگاه ملت با دولت در رابطه با آمریکا هستیم. پس از این دوره با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و اشغال سفارت آمریکا به همراستایی نگاه ملت و دولت می‌رسیم. سومین دوره تاریخی از ۱۳۷۶ آغاز و کماکان تداوم یافته است. در این دوره ملت رفته رفته نگاه تخصصی‌آمیز با آمریکا را رها کرده و تمایل به توسعه روابط دارند اما این امر با مقاومت مقامات حکومت روبرو گردیده و شکل‌دهنده دوره‌ای از تعارض شده است. و دوره چهارم به تعارض ملت و دولت از ۱۳۷۶ تاکنون اختصاص یافته است.

واژگان کلیدی: روابط، ایران، آمریکا، ملت، دولت

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد m.aryanmanesh@gmail

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

## مقدمه

خاورمیانه در طول سده‌های اخیر با اهمیت بوده و با گذر زمان نیز بر این اهمیت افزوده شده است. خاورمیانه نقطه تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است. از طرفی مهم‌ترین آبراه‌های نیمکره شمالی مانند خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ و مدیترانه در این منطقه قرار دارد، همچنین دو تنگه مهم هرمز و باب‌المندب نیز در این منطقه واقع شده است. از منظر دینی نیز خاورمیانه خاستگاه سه دین بزرگ آسمانی اسلام، مسیحیت و یهودیت است که البته ۹۳ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۷).

در آغاز هزاره سوم همچنان خاورمیانه یکی از مناطق مهم، استراتژیک و در عین حال بحران‌ساز در جهان است که در مقایسه با سایر مناطق جهان از اهمیت فراوانی برخوردار است (ابوالحسن شیرازی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱). قدرت‌های برتر جهان در قرن ۲۱ از منظر ژئوپولیتیک، کشورهایی هستند که بتوانند بر منابع و خطوط عرضه و انتقال انرژی تسلط داشته باشند (حاتمی‌راد، ۱۳۸۵: ۱۵۰). ایران با قرار گرفتن در مرکز تلاقی محورهای تولید و مصرف انرژی از امتیاز ویژه‌ای در این خصوص برخوردار است. بطوریکه دو خط شمالی و جنوبی ایران محورهای تولید جهان (دریای خزر و خلیج فارس) و دو خط شرقی و غربی ایران محورهای مصرف جهان (شرق آسیا و اروپا و آمریکا) را شکل می‌دهد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۴). از طرفی ایران با ۲۰۰۰ کیلومتر خط ساحلی طولانی‌ترین و گسترده‌ترین سواحل را در بین کلیه کشورهای خلیج فارس و دریای عمان در این منطقه حساس و استراتژیک داراست (حاتمی‌راد، پیشین: ۱۵۱).

روابط ایران و ایالات متحده بر بستر اهمیت و جایگاه دو کشور شکل گرفته و تداوم یافته است البته در مسیر این ارتباط فراز و فرودهایی نیز وجود داشته که شکل دهنده دوره‌های مختلفی از این روابط بوده است. اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه روابط ایران و آمریکا تلاش کرده‌اند بسته به نوع نگاه خود و جهت سهولت، تاریخ روابط دو کشور را در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار دهند. قادری تاریخ روابط دو کشور را در چهار دوره دسته‌بندی می‌کند که عبارتند از: ابتدای روابط تا شهریور ۱۳۲۰، ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ و از ۱۳۵۷ تاکنون. اخوان‌زنجانی تاریخ روابط دو کشور را در سه دوره دسته‌بندی می‌کند که عبارتند از آغاز تا ۱۳۳۲، ۱۳۳۲ تا آغاز انقلاب؛ از سقوط حکومت شاه به بعد. شکوری پنج دوره را عنوان می‌نماید که عبارتند از: روابط مذهبی- فرهنگی از ۱۸۲۹ تا ۱۸۵۰، روابط اقتصادی و فرهنگی تا شهریور ۱۳۲۰، دوره نفوذ آمریکا از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، دوره تثبیت سلطه از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، دوره جنگ سرد دو کشور از ۱۳۵۷ تاکنون. برخی همچون زیباکلام نیز معتقدند تقسیم‌بندی حقیقی آن تقسیم‌بندی است که بر تصویر و تصویری که ما از آمریکا پیدا کرده‌ایم مبتنی باشد. اخوان‌زنجانی نیز بیان می‌کند که بررسی چگونگی روابط ایران و آمریکا در تاریخ، این قدر مهم نیست که تصور ایرانیان از این روابط مهم است (اخوان‌زنجانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۱-۱۶).

یک کشور و یا یک سازمان را از منظری می‌توان همچون یک واحد مورد بررسی قرار داد که در همه زمینه‌ها، صدایی واحد که برآیند صداها، متعارض و یا حتی متضاد داخلی است از آن شنیده می‌شود. اما ماهیت و نوع ساختار قدرت به ویژه در نظام‌های اقتدارگرا و نیمه اقتدارگرا بگونه‌ای است که برخی اوقات صدای حاکمیت برآیند صدای اقشار مختلف جامعه نیست و در تعارض و یا حتی تضاد با آن نیز می‌تواند باشد. در این پژوهش تلاش شده است در کنار بررسی مهمترین وقایع صفحات تاریخ روابط ایران و آمریکا، اشاراتی نیز به فهم مردم و دولت ایران از روابط با آمریکا شود. بر همین اساس تاریخ روابط دو کشور در چهار دوره تاریخی تقسیم‌بندی گردیده که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

### ۱- همراستایی ملت و دولت از آغاز روابط تا ۱۳۳۲

نقاط تماس آمریکایی‌ها و ایرانیان به دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار و اعزام میسیونرهای مذهبی به منظور تبلیغ دین مسیحیت در ارومیه بر می‌گردد (بیل، ۱۳۷۱: ۲۵). این گروه‌های مذهبی به موازات فعالیت‌های تبلیغی دینی خدمات دیگری همچون خدمات فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی نیز ارائه می‌نمودند. از این رو میسیون‌های مذهبی نخستین پیشگامان در مسیر آشنایی ایران و آمریکا به شمار می‌آمدند. اما در حوزه سیاسی، اولین بار میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود که در سال ۱۲۳۰ ضمن درک قدرت در حال ظهور ایالات متحده، از طریق میرزا محمد خان (سفیر ایران در ترکیه) مذاکره با وزیر مختار آمریکا را آغاز نمود و مقدمات معاهده بازرگانی و حسن تفاهمی را فراهم آورد که در سال ۱۲۳۵ امضاء شد. در سال ۱۲۶۲ کاردار و سفیر مقیم آمریکا در تهران تعیین شد و پنج سال بعد حسینقلی خان صدرالسلطنه معروف به حاجی واشنگتن بعنوان اولین سفیر ایران به آمریکا معرفی شد (رضازاده ملک، ۱۳۵۰: ۸۲). طی این دوره تاریخی که بیش از نیمی از دوران روابط دو کشور را در بر می‌گیرد به صورت مختصر به چند نقطه که در حافظه ایرانیان تصویرگر چهره‌های مثبت از آمریکایی‌ها بود بسنده می‌شود.

**باسکرویل قهرمان ملی:** قبل از آغاز جنبش مشروطه و در سال‌های نخست آن آمریکائیان در تبریز مدرسه‌ای تحت عنوان مدرسه یادبود آمریکایی تبریز تاسیس کردند که در آن زبان انگلیسی و علوم جدید آموزش داده می‌شد. یکی از آموزگاران این مدرسه هوارد باسکرویل بیست و پنج ساله بود که به تازگی مدرک خود را از دانشگاه پرینستون اخذ کرده و برای آموزگاری به این مدرسه آمد. وی که سراسر شهر را پر از جوش و جنبش مشروطه‌خواهی دید به آزادی ایران دلبستگی پیدا کرد و به اقتضای جوانی، دست به تشکیل گروهی از

<sup>1</sup> American Memorial School in Tabriz

<sup>2</sup> Howard Baskerville

شاگردانش زد که به مبارزه با دولتیان برخیزند و سرانجام نیز در نبرد تبریز با نیروهای دولتی کشته شد و به صورت باشکوهی تشییع و به خاک سپرده شد (کسروی، ۱۳۶۳: ۸۹۹-۸۹۱). اگرچه تن او به خاک سپرده شد اما فدکاری، آزادی‌خواهی و همدلی وی با مشروطه‌خواهان، نام او را بعنوان یک قهرمان ملی در صفحات ذهن ایرانیان باقی گذاشت.

**مورگان شوستر و اصلاحات مالی:** یکی دیگر از تجربه‌های مثبت ایرانیان استفاده از خدمات و تجربیات یک هیات آمریکایی به سرپرستی مورگان شوستر<sup>۱</sup> جهت اصلاحات وضعیت مالی و گمرک و سر و سامان دادن درآمدها و نظارت بر هزینه‌های کشور بود. ایرانیان ملاحظاتی دیگری نیز در انتخاب هیات آمریکایی داشتند اولاً آمریکا کشوری ثروتمند بود و یقیناً نقشه‌های سیاسی در مورد خاورمیانه نداشت. از طرف دیگر یک هیات مالی آمریکایی می‌توانست بعنوان رابط اقتصادی و مالی بین دو کشور خدمت کند. اگر از آمریکا هیاتی در ایران حضور داشته باشد و در این کشور سرمایه‌گذاری کند احتمالاً بعنوان عامل موازنه سیاسی بکار خواهد رفت و از استقلال کشور دفاع و آن را حفظ خواهد کرد (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۵). فدکاری، احساس تعهد و صداقت شوستر در کمک به ایران، منجر به اعتماد عمیق ایرانیان به وی و تأیید و تحسین منش اخلاقی ایالات متحده شد.

**جردن بنیانگذار نظام آموزشی مدرن:** ساموئل جردن<sup>۲</sup> یکی دیگر از آمریکایی‌هایی بود که نقش فراوانی در توسعه ایران در حوزه آموزشی ایفا نمود. جردن که به مدت ۴۲ سال در ایران به آموزش و پرورش پرداخت بعنوان پیشرو و بنیانگذار نهادهای آموزشی مدرن در ایران شناخته می‌شود. وی زندگی خود را وقف بهبود نظام آموزشی ایران نمود و تعداد کثیری از مسئولان فرهنگی و نخبگان سیاسی ایران در دهه‌های بعد، فارغ‌التحصیل این مدرسه بودند. به پاس خدمات وی، خیابانی در تهران به نام وی نامگذاری شد (اصغری، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

**میلسپو و بازسازی اقتصادی:** با روی کار آمدن رضاشاه، ایرانیان که در حد غیرقابل باوری فقیر، عقب‌مانده، تجزیه شده و ناتوان بودند فقط ۲۴۰ کیلومتر راه آهن، ۱۳۰۰ کیلومتر راه و فقط یک بندر مهم (بندر انزلی)، ۵۶۰۰۰ کودک در مدارس ابتدایی، ۱۴۵۰ نفر در دبیرستان، ۶۰۰ نفر در موسسات آموزش عالی و ۲۰ کارخانه مدرن با ۱۰۰۰ کارگر داشتند. وی از آمریکا درخواست کرد هیات مالی دیگری به ایران بفرستد و اینبار یک هیات یازده نفره به رهبری آرتور میلسپو<sup>۳</sup> اعزام شد. میلسپو با تعهد مثال زدنی به بازسازی اقتصاد ایران پرداخت و در سایه اقدامات زیربنایی و نوگرایی این زمان، ایران دارای راه‌آهن سراسری، ۲۲۵۰ کیلومتر راه،

<sup>1</sup> William Morgan Shuster

<sup>2</sup> Samuel M. Jordan

<sup>3</sup> Arthur Millsbaugh

سیستم قضایی، شهرهای برقدار، دانشگاه تهران، ۳۶ کالج تربیت معلم و ۳۲ هنرستان حرفه‌ای و رشد کشاورزی و صنعتی شد (پولاک، ۱۳۸۸: ۶۸-۵۵).

**جنگ جهانی اول:** در آغاز جنگ جهانی اول، ایران بیطرفی خود را اعلام کرد و تلاش‌های فراوانی برای اجتناب از درگیر شدن در جنگ انجام داد. اما موقعیت استراتژیک ایران سبب شد که متفقین از خاک ایران برای نبرد با عثمانی استفاده کرده و به تدارکات دولت انگلیس از طریق هندوستان کمک نمایند. در این زمان نیز آمریکا به دو طریق به ایران کمک نمود. اول کمیسیون کمک‌رسانی ایران<sup>۱</sup> را ایجاد کرد و کمک‌های زیادی در قالب غلات، ماشین‌های باربری برای حمل غذا از هند و کمک‌های صلیب سرخ ارائه نمود. این کمک‌های مهربانانه مورد تقدیر و تحسین ایرانی‌ها قرار گرفت و بعنوان معیار دیگری از سخاوتمندی ایالات متحده در قبال ایران تلقی شد (موسویان(الف)، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۰). دوم با آشکار شدن افق‌های پایان جنگ جهانی اول، اخبار مربوط به تشکیل کنفرانس صلح، تاسیس یک سازمان جهانی حافظ صلح و حامی ملل ضعیف و اصول ۱۴گانه ویلسون رئیس‌جمهور آمریکا در تعیین خط‌مشی آینده جهان، ایرانیان را به این کنفرانس امیدوار کرد. لذا ایرانیانی که خود را محق به شرکت در کنفرانس مزبور می‌دیدند هیاتی به سرپرستی وزیر امور خارجه به پاریس اعزام داشتند (افشین وفایی و فیروزبخش، ۱۳۹۴: ۲۰). در نتیجه همراهی ایالات متحده، نقشه شوم بریتانیا برای اینکه ایران را به کشوری تحت‌الحمایه بریتانیا تبدیل کند ناکام ماند و آمریکا از مهمترین آزمایش ۱۱ در حمایت از ملت‌های مظلوم پیروز بیرون آمد و تغییر عمده‌ای در روابط ایران و آمریکا ایجاد شد. ایران، آمریکا را بعنوان وزنه تعادلی در برابر نفوذ بریتانیا به حساب آورد و تصمیم گرفت با ارائه جذابیت‌های اقتصادی و سیاسی اطمینان حاصل کند آمریکا به پشتیبانی خود از استقلال ایران ادامه خواهد داد (موسویان(الف)، پیشین: ۶۲-۶۱).

**جنگ جهانی دوم:** با سقوط رضاشاه و روی کار آمدن محمدرضا، حمایت آمریکا از ایران اهمیتی دو چندان یافت و تهران تلاش کرد به تعقیب سیاست استقبال از آمریکا با هدف موازنه و کاهش نفوذ روسیه و انگلیس در امور ایران ادامه دهد. در این دوره ایران نیاز داشت تا از اجرای توافق سه‌جانبه تهران که در آن بر خروج نیروهای متفقین در پایان جنگ و تامین خسارت‌های وارده بر ایران تاکید شده بود، اطمینان حاصل نماید. در همین راستا زمانی که در پایان جنگ جهانی دوم، شوروی از تخلیه ایران برطبق این توافق سر باز زد، ترومن رئیس‌جمهور ایالات متحده در بیانیه شدیداللحنی اعلام کرد که در صورت عدم خروج نیروهای شوروی، ایالات متحده با اعزام نیرو به ایران، با آنها مقابله خواهد کرد و در نتیجه این اقدام، شوروی در سال ۱۳۲۵ سربازانش را از خاک ایران خارج کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۰۵).

<sup>۱</sup> American Persian Relief Commission

از سوی دیگر کمک‌های آمریکا در قالب برنامه اصل ۴ ترومن نیز بر تداوم روابط صمیمانه دو کشور صحنه گذاشت و مبنای رشد روابط اقتصادی و نظامی دو کشور شد. در بهار ۱۳۲۹ نیز پیمانی دوجانبه در حوزه کمک‌های نظامی منعقد گردید که در آن سالیانه بطور میانگین ۲۳ میلیون دلار کمک نظامی به ایران تا سال ۱۳۳۵ پیش‌بینی شده بود و در همین سال پرداخت یک وام ۲۵ میلیون دلاری به ایران تصویب شد. با پشتیبانی آمریکا ایران موفق به دریافت یک وام ده میلیون دلاری نیز از بانک جهانی شد. بدین‌سان ایران در برابر انگلستان و شوروی، گرایش بیشتری به همکاری با آمریکا پیدا کرد (تخشید و علوی، ۱۳۹۵: ۷۷).

## ۲- تعارض ملت و دولت از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷

### ۲-۱- آمریکا و نفت ایران

ملی شدن صنعت نفت، نقطه عزیمت کشور به سوی استقلال اقتصادی و سیاسی بود که اثرات و پیامدهای این واقعه تاریخی یکی از عمیق‌ترین اثرات را بر حافظه تاریخی ایرانیان از آمریکا بجا گذاشت. نقطه عطفی که در روابط دو کشور شکل گرفت و وزن تاریخی سنگینی در روند ارتباط دو کشور به وجود آورد. آمریکا از شروع ملی شدن صنعت نفت ایران تا پایان کار سه وضع متفاوت اتخاذ نمود که عبارتند از (از غندی، ۱۳۹۵: ۱۲-۲۰۶-۲۰۵):

- دوره پشتیبانی: مجلس شورای ملی به‌رغم اعتراض دولت انگلستان در جلسه ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور را براساس پیشنهاد کمیسیون نفت در یک ماده و دو تبصره به تصویب رساند و در ۲۹ اسفند نیز مجلس سنا بر این قانون صحنه گذاشت و بدین ترتیب صنعت نفت ایران ملی شد. در این دوره گریدی سفیر آمریکا در تهران و مک‌گی معاون وزیر امور خارجه آمریکا از طرح ملی شدن صنعت نفت حمایت می‌کردند (همان).

- دوره میانجیگری دوستانه: از آنجا که ادامه بحران نفتی ایران و انگلیس به نفع هیچ‌یک از کشورهای آمریکا و انگلیس نبود، وزارتخانه آمریکا هریمن<sup>۱</sup> را برای مذاکره و میانجیگری عازم تهران نمود که به همراه ریچارد استوکس<sup>۲</sup> مهربار سلطنتی و وزیر مشاور دولت انگلیس طرح ۸ ماده‌ای را ارائه دادند که از سوی دولت ایران رد شد (همان، ۲۰۴-۲۰۱).

- دوره مخالفت و براندازی: با شکست حربه‌های اقتصادی و سیاسی علیه ایران و با کنار رفتن ترومن و روی کار آمدن آیزنهاور از سوی حزب جمهوری‌خواه، شرایط برای طرح مشترک آمریکا و انگلیس در براندازی

<sup>۱</sup> W.Averell Herriman

<sup>۲</sup> Richard stokes

دولت مصدق فراهم شد و سرانجام در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت ملی دکتر مصدق ساقط گردید (همان، ۲۲۰). این کودتا محوری‌ترین رویداد شکل‌دهنده به روابط دو کشور در دهه‌های گذشته بود که روانشناسی جامعه ایران را تغییر و تصویر مثبت ایرانی‌ها از ایالات متحده را تخریب کرد (موسویان(الف)، پیشین: ۶۸-۶۷). پس از سقوط دولت مصدق، بین ماه‌های مرداد تا مهر ۱۳۳۲ مقدمات کنسرسیوم استخراج و پالایش نفت ایران موسوم به قرارداد پیچ-امینی فراهم گردید که در آن سهم شرکت ملی نفت ایران ۵۰ درصد و طرف دوم نیز ۵۰ درصد و متشکل از هشت شرکت نفتی خارجی شامل پنج شرکت آمریکایی استاندارد نیوجرسی، استاندارد کالیفرنیا، سوکوتی و اکیوم، گلف و شرکت نفت تگزاس هر کدام ۸ درصد، بریتیش پترولیوم ۴۰ درصد، رویال داچ ۱۴ درصد و شرکت نفت فرانسه ۶ درصد، بود (ازغندی، پیشین: ۲۵۱-۲۴۹).

## ۲-۲- همکاری اقتصادی با آمریکا

اولین کمک اقتصادی بلاعوض آمریکا پس از کودتا یک کمک ۴۵ میلیون دلاری بود که در شهریور ۱۳۳۲ به ایران اعطا گردید. در آبان ۱۳۳۵ نیز قانون مربوط به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که در آن دولت ایران آمادگی خود را برای جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و تشویق آمریکایی‌ها به سرمایه‌گذاری در ایران اعلام کرد. متعاقب این قانون در سال ۱۳۳۹ قانون جلب سرمایه‌های خصوصی کشورهای متحده آمریکای شمالی از تصویب مجلس گذشت و طی سال‌های بعد قراردادهای و موافقت‌نامه‌های متعددی بین دو کشور منعقد شد بطوریکه در دهه ۳۰ واردات ایران از آمریکا به ۱۹ درصد کل صادرات ایران افزایش یافت (همان، ۲۷۸-۲۶۸).

در دهه ۴۰ و با تغییر استراتژی امنیتی دو ابرقدرت، زمینه نزدیکی ایشان فراهم شد و در این دوره موافقت-نامه‌هایی بین دولت‌های دو کشور در خصوص بررسی منابع آب، چگونگی تامین برق و سایر حوزه‌های سرمایه-گذاری مشترک انجام گرفت. اگرچه کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا از آبان ۱۳۴۶ رسماً قطع شد اما روی هم رفته در دهه ۱۳۴۰ رشته‌های وابستگی دولت ایران به آمریکا بر اثر گستردگی روابطی که در دو طرف به وجود آمده بود، استوار شد (همان، ۲۸۷-۲۸۴). از اوایل دهه ۱۳۵۰ و در نتیجه افزایش درآمد دولت از محل فروش نفت و دستیابی به ثبات سیاسی و تحکیم زیرساخت‌های اقتصادی کشور، شرایط بگونه‌ای رقم خورد که ایالات متحده بطور روزافزون در مسائل ایران درگیر شد و نقش مهمی در سیاست و اقتصاد جامعه برعهده گرفت (همان، ۳۴۷).

نخستین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری ایران و آمریکا در ۱۳۵۳ تشکیل شد. در این کمیسیون کمیته-های اقتصادی و مالی، انرژی اتمی، کشاورزی علوم و تکنولوژی و آموزش، نیروهای انسانی و همکاری‌های فنی تشکیل گردید. دومین جلسه در همان سال تشکیل و در پایان آن یک موافقتنامه بازرگانی پانزده میلیارد

دلاری امضاء شد. براساس آن آمریکا با احداث هشت نیروگاه اتمی، ساختن بنادر و بیمارستان‌ها، خانه‌های پیش‌ساخته، وسایل الکترونیکی و کود شیمیایی در ایران موافقت کرد (هوشنگ مهدوی، پیشین: ۴۲۵).

### ۲-۳- تأثیرات سیاسی رویکردهای ایالات متحده در برابر ایران

سومین حوزه مورد بررسی در این دوره، تأثیرات سیاسی رویکردهای ایالات متحده در مناسبات میان دو کشور است. سرخوردگی ملت ایران در نهضت ملی که عملاً نتیجه سه و نیم سال مبارزه و مجاهدت خود را با انعقاد قرارداد کنسرسیون بر باد رفته می‌دیدند (ازغندی، پیشین: ۲۵۱) نقطه آغاز تعارضی بود که ربع قرن بعد از آن، نظام ایران را با انقلاب ۱۳۵۷ به تفاهم ملت و دولت رهنمون نمود. ترس حکومت برای صیانت و حفظ موجودیت خود بر سیاست داخلی و خارجی ایران تأثیرگذار بود و تحول اوضاع داخلی یا خارجی ایران بستگی به این داشت که حکومت جمهوری‌خواهان یا دموکرات‌ها در آمریکا بر سر کار باشند و مطابق با رویکردهای ایشان شاه اقدامات داخلی خود را تنظیم می‌کرد (هوشنگ مهدوی، پیشین: ۲۶۰-۲۵۹). برخلاف تصور عموم، فشار آمریکایی‌ها به شاه برای اجرای یک سلسله اصلاحات اقتصادی و سیاسی با روی کار آمدن کندی در آمریکا آغاز نشد و در واقع از نیمه دهه ۳۰، طراحان سیاسی آمریکا نگران ثبات درازمدت حکومت ایران شده بودند. شاه نیز با درک این واقعیت‌های جدید در سال‌های بعد کوشید خود را سیاست‌مداری انعطاف‌پذیر نشان دهد (میلانی، ۱۳۸۰: ۱۶۸-۱۶۳). از همین‌رو با عنوان انقلاب سفید دست به اصلاحاتی زد که عبارتند از ملی کردن جنگل‌ها، واگذاری فروش سهام کارخانه‌های دولتی به مردم، سهمین شدن کارگران در سود کارخانه‌ها، اصلاح قانون انتخابات، ادامه اجرای طرح اصلاحات ارضی و ایجاد سپاه دانش (ازغندی، پیشین: ۲۸۱). تغییرات انجام شده طی این برنامه منجر به شکل‌گیری مناسبات اجتماعی جدیدی در ایران شد.

یکی دیگر از تحولات سیاسی مهم در روابط دو کشور، تصویب قانون کاپیتولاسیون در مهر ماه ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی بود که طی آن کلیه افراد ارتش آمریکا و وابستگان آنان که در ایران اقامت داشتند، در برابر قوانین ایران از مصونیت کامل دیپلماتیک برخوردار شدند و بنابر آن کارمندان نظامی آمریکا در صورتی که در ایران مرتکب جرمی می‌شدند، دادگاه‌های ایران حق بازخواست از آنان را نداشت (بیل، پیشین: ۲۱۸). کاپیتولاسیون امتیازی بود که اولین بار و پس از شکست ایران در سال‌های ۱۸۲۸-۱۸۲۶ به روسیه واگذار شد و یک قرن بعد توسط رضاشاه لغو گردید. واگذاری مجدد حق کنسولی به آمریکایی‌ها برای مردم ایران که هنوز خاطرات تاسف‌بار این امتیازات را از یاد ننده بودند بسیار حساسیت برانگیز بود و در نتیجه اعتراضات مردم به رهبری آیت‌اله خمینی، ایشان به ترکیه تبعید شدند و رهبری قیامی را برعهده گرفتند که پانزده سال بعد منجر به آخرین انقلاب بزرگ کلاسیک شد (ازغندی، پیشین: ۲۸۶-۲۸۵).



## ۲-۴- مرادوات نظامی و اطلاعاتی آمریکا و ایران

چهارمین حوزه مورد بررسی در این دوره تاریخی تأثیرات مرادوات نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا و ایران در جهت‌دهی به روندهای آتی این مناسبات است. یکی از فضاهایی که به غلط یا درست ایرانی‌ها نقش ایالات متحده را پررنگ می‌دانستند، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) است که در سال ۱۳۳۵ تأسیس شده بود و ترور و شکنجه‌های بی‌محابای آن، این سازمان را به یکی از خشن‌ترین و ظالمانه‌ترین بنیادهای قدرت شاه تبدیل کرد (موسویان(الف)، پیشین: ۶۹). به شکل قطعی اولین نشانه همبستگی نظامی دو کشور در پیمان بغداد بود که بعد از فروپاشی نظام سلطنتی عراق در تیرماه ۱۳۳۷، سازمان پیمان مرکزی (سنتو)<sup>۱</sup> نام گرفت و بخشی از کمربند دفاعی غرب (ناتو، سنتو، سیتو، آنزوس) در مقابل نفوذ و تهدید ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی بلوک شرق به‌شمار می‌رفت (ازغندی، پیشین: ۲۷۰).

اما دو عامل دیگر نیز به توسعه توان نظامی و تحرکات بیشتر سیاست خارجی ایران کمک نمود. اول، تشکیل جنبش عدم تعهد و دوم، تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) که هر دو به نوعی در جهت مقابله با نفوذ سیاسی و مالی قدرت‌های بزرگ به وجود آمد و بویژه سیاست خارجی آمریکا را مورد انتقاد قرار داد. دو عامل داخلی نیز بر توسعه توان نظامی و مرادوات با آمریکا موثر هستند. اول، استقرار ثبات سیاسی به ویژه پس از پشت سر گذاشتن بحران‌های سیاسی اواخر دهه ۱۳۳۰ و سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ۱۵ (ازغندی، پیشین: ۲۸۴-۲۸۳)، و دوم، آگاهی و اشراف شاه به سیاست‌های ایالات متحده در دوران جنگ سرد برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی، بنحویکه آمریکا را برای کمک به ارتش ایران تحت فشار قرار می‌داد (موسویان(الف)، پیشین: ۷۲).

اما نقطه عطف همکاری‌های نظامی دو کشور به آغاز زمامداری نیکسون باز می‌گردد. از این زمان بود که دلایل متعددی منجر به شکل‌گیری ایران بعنوان بازیگر اصلی منطقه خلیج فارس و خاورمیانه شد. مهمترین این دلایل عبارتند از:

- اهمیت استراتژیک ایران و منطقه خلیج فارس به علت برخورداری از منابع نفت و گاز؛
- خروج نیروهای انگلیس از منطقه و سلب مسئولیت آنها در تأمین امنیت خلیج فارس؛
- درگیر شدن آمریکا در جنگ پرهزینه ویتنام؛
- استراتژی منطقه‌ای کسینجر و دکترین نیکسون.

سیاست امنیتی شاه بعنوان ژاندارم منطقه باعث کمک‌های نظامی آمریکا و خرید تسلیحات متنوع توسط ایران شد. بطوریکه در فاصله سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷، ایران در ازاء فروش نفت، ۱۴/۴ میلیارد دلار جنگ‌افزار

<sup>۱</sup> Central Treaty Organization

از آمریکا خریداری کرد (هوشنگ مهدوی، پیشین: ۴۰۲). بنحویکه در زمان سقوط نظام پهلوی، ایران از لحاظ نیروهای هوایی، زمینی و دریایی در سراسر خاورمیانه از بالاترین قدرت و تشکیلات نظامی برخوردار بود. اگرچه در سال‌های پایانی حکومت پهلوی در سایه تعاملات با قدرت‌های بزرگ و به پشتوانه درآمدهای نفتی باورنکردنی، ایران جزیره ثبات منطقه نام گرفته بود. اما در همین زمان دو وجه متعارض در جامعه ایران به چشم می‌خورد. وجه ظاهری، که از جامعه‌ای در حال رشد و اثبات خبر می‌داد و رشد جمعیت شهری، تغییر زندگی روستائیان، شکل‌گیری طبقه متوسط اقتصادی و رشد صنعتی همگی نشانه‌هایی از خوش‌بینی به تحولات اجتماعی را در خود داشت. اما وجه دیگر جامعه ایران، تکوین پدیده‌های دیگری را نشان می‌داد که از دیدها پنهان مانده بود و پدیده‌های فرساینده قدرت حکومت در حال شکل گرفتن بود اما شکوه و جلال ظاهری کمتر مجالی برای دیدن آن می‌گذاشت شکوه و جلالی که در مجالی اندک از هم پاشید (اسدی و تهرانیان، ۱۳۹۶: ۱۴)، و با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ فصلی نوین در روابط ایران و ایالات متحده گشوده شد.

### ۳- تفاهم ملت و دولت از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶

اگر در یک نگاه کلان به علل و عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی بنگریم، انقلاب اسلامی واکنشی به سیاست‌های داخلی و سیاست خارجی شاه بعنوان یک عامل آمریکا بود. کودتای ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت مصدق، اتحاد عملی شاه با آمریکا و پشتیبانی ایالات متحده از وی در تحولات پساکودتا و به ویژه در سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و حمایت همه‌جانبه از نظام شاه در جریان جنبش انقلابی ۱۳۵۷، برخی از نموده‌های عینی دخالت‌های آمریکا به شمار می‌آیند (دهقانی‌فیروز آبادی، پیشین: ۳۱۵).

#### ۳-۱- بحران گروگانگیری

همراستایی نگاه مردم ایران و به ویژه نیروهای انقلابی با رهبران نظام جمهوری اسلامی، شکل دهنده یکی از نقاط عطف روابط ایران و آمریکا بود. البته موافقت آمریکا با پذیرش شاه در آن کشور از یک‌سو و دیدار غیرمنتظره مقامات دولت موقت با مشاور امنیت ملی آمریکا تنها ۱۵ روز پس از اقامت شاه در آمریکا، نیز نشانه‌هایی از آغاز انحراف انقلاب از مسیر ضدامپریالیستی اولیه‌اش توسط نیروهای انقلابی و تندرو تلقی شد. با اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگانگیری و با استعفای دولت موقت، دست نیروهای غرب‌گرا از صحنه سیاسی کشور کوتاه شده و به حاشیه رانده شدند (دهقانی‌فیروزآبادی، پیشین: ۳۱۶-۳۱۵). اگرچه شواهد نشان می‌دهد دانشجویان ابتدا بنا نداشتند گروگانگیری را برای مدت طولانی ادامه دهند اما با حمایت قاطع آیت‌اله خمینی و توده مردم این ماجرا به یک بحران تمام‌عیار و رویارویی نظام ایران و ایالات متحده تبدیل شد. بحرانی که ۴۴۴ روز به طول انجامید. شروط ایران برای آزادی گروگان‌ها عبارت بود از:

- تعهد و تضمین آمریکا به عدم دخالت مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ایران؛

- استرداد تمامی سرمایه‌ها و اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا؛

- لغو و ابطال تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه جمهوری اسلامی؛

- باز پس دادن اموال شاه و خاندان پهلوی (مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۳، ۲۳۷-۲۳۶).

در طرف دیگر آمریکا نیز سعی نمود از طرق مختلف سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی در جهت آزادسازی گروگان‌ها تلاش نماید. برخی از مهمترین اقدامات ایالات متحده در این زمینه عبارت است از:

- اعزام رمزی کلارک و ویلیام میلر دو مقام عالی‌رتبه آمریکایی برای ملاقات و مذاکره با رهبر ایران؛

- اعزام میانجی‌هایی مانند فرستاده پاپ، یاسر عرفات، کورت والدهایم؛

- صدور دستور اجرایی ۱۲۱۷۰ در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ و توقیف کلیه اموال ایران؛

- خودداری از خرید نفت ایران به همراه آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا؛

- تصویب قطعنامه ۴۵۷ در شورای امنیت علیه ایران؛

- قطع کامل روابط دیپلماتیک با ایران؛

- اقدام به حمله نظامی محدود در عملیات پنجه عقاب (تخشید و علوی، پیشین: ۸۱-۸۰).

۱۷

اگرچه در اثر حمله نظامی عراق به ایران و در نتیجه پیروزی رونالد ریگان، ایران وادار به مذاکره و مصالحه و آزادی گروگان‌ها شد اما این بحران اثرات عمیقی بر سیاست خارجی نظام ایران تحمیل نمود.

### ۳-۲- جنگ با عراق

یکی دیگر از نقاطی که از منظر رهبران و مردم ایران، آمریکا علیه منافع نظام ایران اقدام نمود، حمله عراق به ایران است. رهبران ایران دو دلیل را شاهدی بر این ادعا می‌دانند: اولاً ناتوانی آمریکا در جلوگیری از سقوط نظام منتصب به همپیمان دیرینش (محمد رضا شاه) به شدت به اعتبار آمریکا ضربه زد و ثانياً گروگانگیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران و تداوم ۴۴۴ روزه آن که به نوعی تحقیر وجهه آمریکا بود، این کشور را وادار به ترغیب و تهییج عراق در حمله به ایران نمود (دهقانی فیروزآبادی، پیشین: ۳۳۵-۳۳۴).

اقدامات ایالات متحده در طول جنگ ایران را می‌توان از سه منظر بررسی نمود:

- حوزه سیاسی: مقامات آمریکا ظاهراً در آغاز جنگ بیطرفی اتخاذ کردند. اما شکستن حصر آبادان، آزادسازی بستان و عملیات‌های آفندی موفقیت‌آمیز ایران ایشان، را ابتدا به مذاکره و سپس به اقدامات خصمانه سوق داد (تهامی و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۶۵-۲۶۴). اعزام فرستاده ریگان، مک‌فارلین جهت مذاکره در فروش تسلیحات به تهران یکی از فرصت‌های ایران جهت کاهش مواجهه با آمریکا بود که با عدم پذیرش ایران و افشای آن

توسط نشریه لبنانی الشراع، بزرگترین رسوایی در تاریخ آمریکا پس از ماجرای واترگیت رقم خورد (تخشد و علوی، پیشین: ۸۳-۸۲).

- حوزه اقتصادی: در پی توافقات انجام شده در بیانیه‌های الجزایر، آمریکا ابتدا برخی از دارایی‌های ایران را آزاد نمود اما از اواخر سال ۱۳۵۹ محدودیت‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران شدت گرفت بعنوان مثال ۲۰ میلیون دلار دارایی‌های ایران در دالاس مسدود شد، در ۱۳۶۱ محدودیت‌های سیاسی اقتصادی ایران یک سال دیگر تمدید شد و در سال ۱۳۶۲ جهت تشدید محاصره اقتصادی، نام ایران در فهرست کشورهای حامی تروریسم بین‌المللی قرار گرفت. دولت آمریکا تا پایان جنگ از پرداخت میلیاردها دلار ذخایر ارزی و دارایی‌های ایران در آمریکا امتناع ورزید (تهامی و دیگران، پیشین: ۲۷۰-۲۶۸).

- حوزه نظامی: انهدام سه حلقه چاه نفت و دو سکوی نفتی و درگیری با نیروهای دریایی ایران و غرق شدن دو ناوچه سهند و سبلان برخی از اقدامات نظامی آمریکا علیه ایران در این جنگ بود. اما نقطه اوج این رویارویی حمله ناو وینسنس آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ بود که ۲۹۰ مسافر آن به شهادت رسیدند و کمتر از دو هفته بعد در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، ایران قطعنامه ۵۹۸ را که نه رد کرده بود و نه قبول، رسماً و بدون قید و شرط پذیرفت (همان، ۲۷۰-۲۶۸).

### ۱۸ ۳-۳- هاشمی رفسنجانی و تلاش‌های نافرجام

در فاصله پایان جنگ تا سال ۱۳۷۶ دو رخداد عظیم در ساختار سیاسی ایران اتفاق افتاد، رهبری آیت‌اله خامنه‌ای در پی درگذشت آیت‌اله خمینی و دیگری آغاز ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بود که بعنوان یک سیاستمدار برجسته ایرانی و میانه‌رو بودن، سیاست اقتصاد بازار آزاد، طرفداری از خصوصی‌سازی صنایع دولتی و موضع ملایم بین‌المللی شهرت داشت. به رغم تلاش‌های رفسنجانی برای آشتی غیرمستقیم با غرب و به ویژه با ایالات متحده، عملاً دکتترین رهبری ایران با عنوان «غرب منهای ایالات متحده» محرک اصلی سیاست خارجی ایران بوده و تاکنون نیز تداوم یافته است (موسویان(الف)، پیشین: ۱۹۸-۱۹۱). از فرصت‌هایی که موضع جناح میانه‌رو و عملگرا را در مقابل جناح تندرو و انقلابی تضعیف نمود بدعهدی آمریکا در ماجرای آزادی گروگان‌های غربی در لبنان بود. در پی چراغ سبز آمریکا به ایران در استقبال از هرگونه کمک ایران در حل و فصل بحران گروگان‌ها، هاشمی گروهی را برای مدیریت پروژه آزادسازی گروگان‌ها تعیین کرد، وی بر این باور بود که «حسن نیت در برابر حسن نیت» (اشاره به سخنرانی ریاست جمهوری جورج بوش پدر در ۳۰ دی ۱۳۶۷) نقطه شروعی بر پایان بحران روابط دو کشور بوده و منجر به صلحی دائم با ایالات متحده خواهد شد. ایران با شروع مذاکرات و رایزنی‌ها درخصوص آزادی گروگان‌ها به وضوح خواسته‌های خود مبنی بر آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده را اعلام نمود اما پس از آزادی گروگان‌ها و در شرایطی که ایران آماده

پاسخ ایالات متحده بود در فروردین ۱۳۷۱ رسماً اعلام شد که در هیچ فرصت زمانی اقداماتی برای ایران انجام نخواهد شد. این اقدام آمریکا دو اثر به دنبال داشت: اول آنکه دورنمای رفع نزاع و صلح در روابط دو کشور را تیره و تار کرد و دوم آنکه موقعیت موافقان مکتب فکری هاشمی رفسنجانی را به شدت تضعیف کرد (موسویان(الف)، پیشین: ۲۰۹-۱۹۹).

یکی دیگر از حوزه‌هایی که هاشمی تلاش کرد از آن جهت تصحیح روابط دو کشور استفاده کند روابط فنی و اقتصادی بود. در همین راستا، ایران در مناقصه توسعه میدان نفتی سیری از شرکت آمریکایی نفت کونوکو دعوت به عمل آورد که یک قرارداد یک میلیارد دلاری در جهت توسعه دو میدان فراساحلی انجام دهد اما دولت کلینتون با صدور فرمانی قرارداد این شرکت را لغو و هرگونه سرمایه‌گذاری، نظارت و مدیریت طرف‌های آمریکایی در طرح‌های اکتشاف و توسعه منابع نفتی ایران ممنوع اعلام کرد (توحیدی، ۱۳۸۱: ۶۳).

یکی از اقدامات دولت آمریکا در مسیر مقابله با تهدید ایران، ایجاد نوعی بازنگری در سیاست‌های روسای جمهور گذشته بود. به این ترتیب «سیاست محاصره مشترک» که آمریکا در کنار متحدان اروپایی خود درصدد اعمال آن علیه ایران بودند در زمان کلینتون به «سیاست مهار دوجانبه» تغییر پیدا کرد (کیوان حسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). یکی از معروف‌ترین تحریم‌های فراسرزمینی در راستای اجرای همین سیاست شکل گرفت. سناتور آلفونس دوآمتوا<sup>۱</sup> در ۱۷ شهریور ۱۳۷۴ لایحه تحریم خارجی نفت ایران را تقدیم کنگره کرد ۱۹ تا مانع دستیابی ایران به فناوری مدرن گردد. سرانجام در ۲۷ آذر ۱۳۷۴ لایحه قانون تحریم ایران و لیبی<sup>۲</sup> یا ایلسا<sup>۳</sup> به تصویب رسید که براساس آن شرکت‌های خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری کنند مشمول مجازات‌هایی می‌شوند. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی به همراه نزول قیمت نفت افزایش بدهی-های خارجی و کاهش درآمدهای ایران را به همراه داشت و موجب تشدید رکود اقتصادی در کشور شد. در این دوره ارزش ریال ایران در برابر دلار آمریکا به ۶۴۰۰ ریال تنزل یافت (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۳۲۳). از سوی دیگر بودجه ۱۹ میلیون دلاری از کنگره برای ادامه عملیات علیه ایران و عراق از سوی سیا درخواست شد (مومن‌زاده، ۱۳۸۳: ۷۴). در واقع در این زمان، هاشمی بیش از هر زمانی پس از انقلاب اسلامی تلاش کرد تا روابط تیره و تار دو کشور ایران و آمریکا را با استراتژی‌های مختلف تلطیف کند اما نقش دو جریان داخلی و خارجی مانع از تحقق این امر شد. در سطح داخلی جریان‌های انقلابی با مخالفت‌های مختلف در این مسیر حرکت نظام ایران را کند کرده و جریان‌های تندروی خارجی به اشکال مختلف مانع از اقدامات متقابل در برابر پالس‌های مثبت ارسالی از سوی ایران شدند.

<sup>۱</sup> Alfonse M. Doamato

<sup>۲</sup> Iran And libya Sanctions Art

<sup>۳</sup> ILSA

#### ۴- تعارض ملت و دولت از ۱۳۷۶ تاکنون

در دوران پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ که سید محمد خاتمی در سایه حمایت روشنفکران، دانشجویان، هنرمندان، احزاب سیاسی و توده مردم به قدرت رسید، به‌رغم نگاه توأم با رواداری وی در عرصه سیاست خارجی، به دلیل ساختار صلب سیاست‌گذاری خارجی در نظام ایران ما شاهد تداوم نگاه دستگاه‌های حکومتی در هر نوع رابطه نزدیک‌تر با آمریکا هستیم، اما در سطوح پایین‌تر ما به یک روند معکوسی مواجه‌ایم یعنی مردم جامعه نگرش کاملاً منفی نسبت به آمریکا را کنار گذاشته و به‌رغم آنکه معتقدند آمریکا به ما ظلم کرده اما هم‌زمان آمریکا را بعنوان یک الگو و آرمان از نظر تکنولوژی و پیشرفت می‌نگرند (اخوان زنجانی و دیگران، پیشین: ۳۱). نتایج سه نظرسنجی در سال ۱۳۸۱ توسط پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، موسسه ملی سنجش افکار عمومی و موسسه پژوهش آینده نیز نشان می‌داد بیش از ۷۰ درصد مردم ایران موافق مذاکره ایران با آمریکا هستند (تاجزاده، ۱۳۹۷).

#### ۴-۱- خاتمی و گفتگوی تمدن‌ها

خاتمی در مصاحبه با شبکه سی ان ان (۱۷ دی ۱۳۷۶) سیاست‌های گذشته آمریکا را باعث ایجاد دیوار بلند بی‌اعتمادی میان دو کشور دانست و برای برون‌رفت از این وضعیت گفتگوها و رفت و آمدهای نخبگان و دانشگاهیان دو کشور را پیشنهاد نمود که در نهایت مورد موافقت کلینتون نیز قرار گرفت (حسینی متین، ۱۳۹۱: ۱۱۵). وی که نگران نظریه «پایان تاریخ» فرانسیس فوکویاما و «برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون» بود، نظریه «گفتگوی تمدن‌ها» را مطرح نمود که مورد استقبال جامعه جهانی نیز قرار گرفت (سوری، ۱۳۸۴: ۱۸۸).

اگرچه بمب‌گذاری ۱۳۷۵ در خُبر عربستان سعودی، که منجر به مرگ ۱۹ آمریکایی و مجروح شدن صدها نفر شده بود تاثیر مخربی بر روابط دو کشور داشت اما در اردیبهشت ۱۳۷۸ کلینتون در یک سخنرانی ایرانیان را متعجب کرد «شما حق دارید از آنچه کشور من، فرهنگ من یا اصولا هر چیز دیگری که به ما مربوط بوده، ۵۰ سال، ۶۰ سال، ۱۰۰ سال یا ۱۵۰ سال قبل با شما انجام داده است عصبانی باشید»، وی در ادامه در تیر ماه ۱۳۷۸ در نامه‌ای برای خاتمی خواستار تعهدی شفاف برای خاتمه دادن به دخالت ایران در فعالیت‌های تروریستی شد که باتوجه به برهه زمانی این مکاتبه (شدیدترین اعتراضات خیابانی از سال ۱۳۶۰) و نوع برداشت ایران که این مکاتبه را تلاش کلینتون برای توسعه اختلاف خاتمی- رهبر و آزمایش اراده و توانایی خاتمی برای ایستادن در برابر سپاه و رهبری قلمداد کردند، مانع اقدامات تنش‌زای در شرف انجام ایران شد (موسویان(ب)، ۱۳۹۴: ۲۵۶-۲۶۱).

اما بدون تردید بی‌سابقه‌ترین موضع آشتی‌جویانه در قبال نظام ایران پس از انقلاب را مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه آمریکا در ۲۶ اسفند ۱۳۷۸ در سخنرانی در انجمن ایران و آمریکا اتخاذ کرد. وی با تمجید از جایگاه و منزلت فرهنگی و تمدنی والا و اهمیت ژئوپولیتیک ایران اعتراف کرد «در سال ۱۹۵۳، آمریکا نقش بارزی در سرنگونی نخست‌وزیر مردمی ایران، یعنی محمد مصدق داشت ... این کودتا، آشکارا به تحول سیاسی در ایران ضربه وارد کرد و اکنون می‌توان به سادگی دریافت که چرا بسیاری از ایرانیان از دخالت آمریکا در امور داخلی‌شان خشمگین هستند» (دهقانی فیروزآبادی، پیشین: ۴۷۰). در شرایطی که این امکان برای مقامات ایران نیز فراهم بود تا از رفتار ایران در ماجرای گروگانگیری سفارت آمریکا عذرخواهی کرده و پاسخ مناسبی به گفتار آشتی‌جویانه آمریکا ارائه دهند. آیت‌اله خامنه‌ای در ۲۵ مرداد ۱۳۷۹ در دیدار با وزیر امور خارجه و روسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، به شدت با مذاکره با آمریکا که مبتنی بر تغییر رفتار سیاست خارجی باشد مخالفت ورزیدند. از سوی دیگر خاتمی نیز در یک نشست خبری در حاشیه اجلاس هزاره سران کشورهای عضو سازمان ملل، عذرخواهی آلبرایت را برای آغاز مذاکرات سیاسی با آمریکا ناکافی دانست (همان، ۴۷۲-۴۷۱).

شاید بتوان سه عنصر مهم و مرتبط با هم را در رویکرد آیت‌اله خامنه‌ای نسبت به ایالات متحده برشمرد که طی سی سال گذشته بر روابط دو کشور سایه انداخته است:

۲۱

الف) ایشان بر این باور است که فارغ از همه تاکتیک‌ها، آمریکا در رابطه با ایران، شدیداً تحت تاثیر لابی طرفدار اسرائیل است و رئیس‌جمهور آمریکا هیچ اختیاری بر سیاست خارجی ایالات متحده ندارد. ب) ایشان بی‌اعتمادی فوق‌العاده‌ای نسبت به سیاست آمریکایی‌ها داشته که در سایه اسناد ضبط شده از سفارت آمریکا تشدید شد.

ج) ایشان به حکومت و نظام آمریکا بعنوان نظامی معتاد به استکبار می‌نگرد و احساس می‌کند اگر کشوری قدرتمند نباشد آنگاه رابطه ارباب-رعیتی تنها نوع رابطه‌ای است که آمریکا آمادگی پذیرش آن را دارد (موسویان(الف)، پیشین: ۲۷۷-۲۷۶).

در دوران جورج بوش به‌رغم آنکه حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌توانست فصل جدیدی در روابط دو کشور بگشاید چرا که ایران از جمله نخستین کشورهای بود که حملات تروریستی را محکوم کرد و از حمله آمریکا به افغانستان در جهت سرنگونی طالبان و حذف تروریست‌های القاعده حمایت کرد اما سخنرانی معروف بوش و قرار دادن ایران در «محور شرارت» آخرین میخ بر تابوت روابط دو کشور بود (منصوری، ۱۳۸۲: ۹۷). یکی دیگر از وقایع موثر بر روابط دو کشور توقف کشتی (کارین A) در ۲۴ دی ماه ۱۳۸۰ توسط مقامات اسرائیل بود که مدعی بودند حامل جنگ‌افزارهایی برای تشکیلات خودگردان فلسطین از سوی ایران بوده

است. برداشت کالین پاول و مقامات آمریکایی از این اقدام ایران این بود که این کشور اگرچه در جنگ با افغانستان به آمریکا و جامعه بین‌المللی کمک کرده است اما ظاهراً تمایلی ندارد تا از فعالیت‌های خود در فلسطین و لبنان دست بردارد (حسینی متین، پیشین: ۱۵۰).

#### ۴-۲- از بحران هسته‌ای تا برجام

اما یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین کشمکش‌های بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد با افشای تاسیسات غنی‌سازی ایران در مرداد ۱۳۸۱ به وقوع پیوست. در ۲۳ مرداد یکی از سخنگویان سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد ایران در حال انجام فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه در اصفهان، نطنز و اراک است (موسویان، ب)، پیشین: ۱۱۰). در همین راستا مساله هسته‌ای ایران مورد توجه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت و در شهریور ۱۳۸۲ قطعنامه‌ای علیه ایران صادر شد که طی یک ضرب‌العجل کوتاه‌مدت (تا ۹ آبان) از ایران خواسته شده بود تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی خود را متوقف کند و از سوی دیگر پروتکل الحاقی را نیز بپذیرد در غیر این صورت براساس اساسنامه آژانس ممکن بود پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شود (همان، ۱۳۴-۱۱۹).

در همین راستا و پس از چند دور مذاکره و با رهبری حسن روحانی در تیم مذاکره کننده ایران در ساعت ۲ بعد از ظهر ۲۹ مهر ۱۳۸۲، ایران تعلیق موقت را در موافقت‌نامه سعدآباد پذیرفت. اما صحنه رقابت بلوک تحت رهبری آمریکا و سایر کشورها در پرونده هسته‌ای ایران منجر به قطعنامه شهریور ۱۳۸۳ شد که ایران را یک گام دیگر به شورای امنیت نزدیک کرد. به‌رغم مذاکرات نفس‌گیر ایران که منجر به توافق پاریس در آبان ۱۳۸۳ گردید (به موجب آن ایران در ازای تعلیق موقت فعالیت‌های چرخه سوخت خود امتیازات متنوعی شامل به رسمیت شناختن حقوق اساسی ایران در چارچوب پیمان منع اشاعه، عدم ارجاع پرونده به شورای امنیت، توسعه فراگیر روابط، حمایت از ایران در جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی و ... را به دست آورد)، با جهت‌گیری بلوک آمریکایی و رسانه‌های بین‌المللی، ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت تسریع شد (همان، ۲۲۷-۲۱۹). در شرایطی که مذاکرات متفاوت و متنوعی درخصوص روند اجرای توافق پاریس در جریان بود با عدم توانایی کشورهای اروپایی در ارائه تضمین عینی به ایران در به رسمیت شناختن حق تولید چرخه سوخت (که در اثر عدم متقاعد شدن آمریکا ایجاد شد) و پس از آنکه در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ایران، برخی تندروها تیم مذاکره هسته‌ای خاتمی را جاسوس و خائن نامیدند شرایط برای چالش دوباره با غرب در این پرونده فراهم گردید.

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، وی راهبرد «عدم تعهد تجدیدنظر طلب» را در پیش گرفت. استراتژی که بر مبنای آن در چارچوب اصل بنیادی نه شرقی، نه غربی، دارای تعهدات و رسالت ایدئولوژیک و انقلابی



است. این استراتژی فراتر از عدم تعهد متعارف، علاوه بر عدم وابستگی و پیوستگی به مراکز قدرت جهانی، درصدد تغییر و تحول نظام و نظم بین‌المللی مستقر است و مخالفت آشکار و مقابله نمادین با نظام سلطه جهانی، مهمترین و بارزترین وجه سیاست خارجی این دوره است. مقابله با نظام تک‌قطبی و هژمونی آمریکا و اصلاح و تغییر سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل برخی از نمودهای این استراتژی در این دوره است (دهقانی فیروزآبادی، پیشین: ۵۱۵-۵۱۲). یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این دوره آن بود که برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی، مجلس، قوه قضائیه، قوه مجریه، ارتش، نیروهای امنیتی و دستگاه‌های اطلاعاتی همگی یکدست در اختیار اصول‌گرایانی قرار گرفت که در بی‌اعتمادی به غرب با رهبری دیدگاه مشترکی داشتند (موسویان(الف)، پیشین: ۳۴۵).

دولتمردان جدید تصمیم گرفتند درباره غنی‌سازی مذاکره نکنند، آنها اعتقاد داشتند مذاکره با اروپایی‌ها هیچ حاصلی نخواهد داشت و از نظر ایشان شورای امنیت سازمان ملل هم خط قرمز دولت جدید نبود. فلذا بسته پیشنهادی سه کشور اروپایی در ۱۴ مرداد ۱۳۸۴ از سوی ایران رد شد و طرف اروپایی، مذاکره را در تاریخ ۹ شهریور لغو کرد (موسویان(ب)، پیشین: ۲۹۵-۲۹۱). در ۱ مهر سال ۱۳۸۴ پیش‌نویس قطعنامه تهیه شده توسط فرانسه، آلمان و بریتانیا که به منظور ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت آماده شده بود در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تصویب رسید. از سوی دیگر در سخنرانی ۴ آبان، احمدی‌نژاد اظهار ۲۳ امیدواری کرد که "رژیم صهیونیستی اسرائیل" از بین برود که این حرف نیز بهانه بیشتری به دست غرب داد تا فشارهایش را بر ایران و برنامه هسته‌ای آن بیشتر کند (همان، ۳۰۵-۳۰۰). سرانجام پس از بازگشایی سایت‌های غنی‌سازی ایران در دی ماه ۱۳۸۴، شورای حکام در بهمن ماه ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را مورد تایید قرار داد (همان، ۳۲۶).

اما اولین قطعنامه شورای امنیت در ۹ مرداد ۱۳۸۵ ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد، قطعنامه ۱۶۹۶ بود که مهلتی یک ماهه به ایران جهت تعلیق فعالیت‌های چرخه موقت هسته‌ای خود می‌داد و یک شکست دیپلماتیک برای ایران بود. این قطعنامه ذیل ماده ۴۰ فصل هفتم منشور ملل متحد قرار می‌گرفت و مبنای حقوقی برای قطعنامه‌های بعدی فراهم نمود (خبیری و محمدی، ۱۳۹۶: ۹۳). دومین قطعنامه شورای امنیت در ۲ دی ۱۳۸۵ مصوب شد، قطعنامه ۱۷۳۷ مبتنی بر ماده ۴۱ منشور، الزام‌آور اما فاقد پشتوانه اقدام نظامی بود. در این قطعنامه ضمن تحریم مواد و کالاهای با مصرف دوگانه، مسافرت گروه‌های دخیل و برخی افراد و دارایی‌های سازمان انرژی اتمی و ... تحت تحریم قرار گرفتند (Resolution, 2006: 1737). سومین قطعنامه شورای امنیت در ۴ فروردین ۱۳۸۶ مصوب شد. قطعنامه ۱۷۴۷ صدور سلاح به ایران را ممنوع و اموال و حساب‌های بانکی افراد و شرکت‌های دخیل در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران را مسدود کرد (Ibid).

چهارمین قطعنامه شورای امنیت در ۱۳ اسفند ۱۳۸۶ مصوب شد. قطعنامه ۱۸۰۳ ضمن استقبال از همکاری‌های ایران و آژانس، یادآور شد که ایران باید به درخواست‌های قطعنامه‌های گذشته توجه نماید. در این قطعنامه شروع اعمال تحریم‌های زمینی، دریایی و هوایی علیه ایران اعلام شد (Resolution, 2008: 1803). پنجمین قطعنامه شورای امنیت در ۷ مهر ۱۳۸۷ مصوب شد. قطعنامه ۱۸۳۵ در واقع تأکیدی بر اجرای قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران بود (Ibid).

ظهور باراک اوباما به مدت چند ماه تأثیرات مهمی در پرونده هسته‌ای ایران داشت. اظهارات انتخاباتی اوباما که اعلام کرد آمریکا بعنوان یک ابر قدرت بزرگ، مطمئن و تاثیرگذار از نشستن بر سر میز مذاکره حتی با دشمنان خودهراسی ندارد شایان توجه بود. برخی از آغاز مذاکرات بدون پیش‌شرط دو کشور سخن می‌گفتند و اعتقاد داشتند حتی قبل از انتخابات ۱۳۸۸ این مذاکرات باید آغاز شود. اوباما نیز برای نخستین بار و بعد از گذشت ۳۰ سال، سیاست تعامل با ایران را مطرح و آمادگی خود برای مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران اعلام کرد (موسویان(ب)، پیشین: ۴۷۱-۴۶۹). در سوی دیگر نیز احمدی‌نژاد انتخاب اوباما را بهترین فرصت برای باقی گذاشتن میراثی ماندگار در تاریخ جمهوری اسلامی قلمداد می‌کرد. او در ۱۶ آبان ۱۳۸۷ بعنوان نخستین رئیس‌جمهور ایران در دوران پس از انقلاب برای همتای آمریکایی خود پیام تبریک فرستاد و اعلام نمود: «علاقه‌مندم تبریکات خود را به مناسبت انتخاب شما به وسیله اکثر رای دهندگان آمریکایی تقدیم کنم». اوباما نیز در یکم فروردین ۱۳۸۸، پیام تبریک تلویزیونی برای ایرانیان فرستاد و برخلاف اصطلاح رایج «رژیم ایران» از اصطلاح «جمهوری اسلامی» استفاده کرد و پیشنهاد «شروعی تازه» در روابط داد که بلافاصله آیت‌اله خامنه‌ای به این سخنان حمله کرد و با سخن از پوشش دستکشی مخملین بر دستانی آهنین آمریکا را خطاب قرار داد. در این زمان احمدی‌نژاد طی مکاتبه‌ای با اوباما بر آمادگی برای مذاکره دوجانبه بدون قید و شرط تأکید کرد اما اوباما با نادیده گرفتن وی پیامی را به وسیله سفارت سوئیس به رهبر ایران فرستاد. پاسخ احترام‌آمیز رهبر ایران اوباما را برای ارسال نامه دوم ترغیب کرد که یکی از مهمترین تبادلات بین ایران و آمریکا در بالاترین سطح حکومت از ابتدای انقلاب تا آن تاریخ بوده است. وی در این مکاتبه ویلیام برنز از وزارت خارجه و پونیت تالوار از کاخ سفید را برای مذاکره با نمایندگان منتخب رهبری ایران معرفی کرد. این نامه که در روزهای پس از انتخابات ۱۳۸۸ تحویل ایران شد با توجه به اعتراضات خیابانی به نتایج انتخابات، آیت‌اله خامنه‌ای را درباره اهداف واقعی آمریکا به تردید انداخت و عملاً این نامه بلاپاسخ ماند. از سوی دیگر واکنش احمدی‌نژاد در مقابل مخالفان‌اش، تهاجمی، توهین‌آمیز و فوق‌العاده نامحترمانه بود. رهبری نیز در سخنرانی در نماز جمعه به شکل بی‌سابقه‌ای حمایت خود را از احمدی‌نژاد اعلام کرده و بیان داشت: «دیدگاه‌های رئیس‌جمهور به من نزدیک‌تر است». با تداوم درگیری‌ها بین نیروهای امنیتی ایران و معترضان،

آمریکا و غرب از معترضان تحت عنوان «جنبش سبز» حمایت کرد و رهبر ایران را متقاعد کرد که جنبش سبز از سوی واشنگتن هدایت شده و مدلی از «انقلاب رنگی» است (موسویان(الف)، پیشین: ۳۹۸-۳۸۹). سرانجام شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین نظام تحریم‌ها در ۱۹ خرداد ۱۳۸۹ با تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ علیه ایران آغاز شد. در این دور از تحریم‌ها محدودیت‌هایی ایجاد شد که از آن جمله ممنوعیت ارائه خدمات کشتیرانی، بازرسی کشتی‌های خارج شده و وارد شده به ایران، ممنوعیت خدمات مالی و بیمه‌ای، ممنوعیت معامله با سپاه را می‌توان نام برد. علاوه بر اینها تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا بر علیه ایران فراتر از قطعنامه مذکور تشدید شد. در این دوره تحریم‌هایی علیه مقامات ایرانی به دلیل نقض حقوق بشر نیز اعمال شد. از سوی دیگر دو متحد ایران یعنی چین و روسیه نیز از قطعنامه‌های مذکور حمایت کردند که تلاش‌های مجدد اوپاما برای تعامل مجدد با روسیه و منافع ملی این کشور، فشارهای اسرائیل و برخی دولت‌های عربی بر روسیه و تضمین آمریکا به چین که در صورت تحریم ایران، منافع قابل توجه چین در بخش تجاری، مالی و انرژی ایران حفظ خواهد شد، در این همراستایی شرق و غرب موثر بودند. اما قدرتمندترین ابزار آمریکا تحریم بانک مرکزی ایران در ۳۰ آبان ۱۳۹۰ بود که ایران را به سیاست هسته‌ای دوره خاتمی بازگرداند در این دوره ایران دست به ابتکارات متعددی زد که خوب اما دیر هنگام بود و زمانی مطرح شد که غرب آماده مذاکرات بیشتر نبود (موسویان(ب)، پیشین: ۵۹۱-۵۴۱).

۲۵

فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، کاهش سه برابری ارزش پول ملی، تورم رکودی بیش از ۴۰ درصد و بسیاری از عوامل دیگر منجر شد که در سال ۱۳۹۲ حسن روحانی بعنوان یک چهره معقول، میانه‌رو و عمل‌گرا مورد وثوق مردم قرار گرفته و بعنوان رئیس‌جمهور اسلامی ایران انتخاب گردد. حسن روحانی آغاز تغییر مشی هسته‌ای ایران را با واگذاری پرونده به وزارت امور خارجه آغاز کرد. روحانی در نخستین سفر خود به نیویورک، ظریف وزیر امور خارجه را به همراه داشت که برای نخستین بار نشست ایران و ۵+۱ در سطح وزیران را رقم زد. این نخستین بار پس از ۳۵ سال بود که وزرای امور خارجه ایران و آمریکا بطور مستقیم مذاکره کردند. به موازات برگزاری اجلاس سازمان ملل، گفتگوهای متعددی میان مقامات ایران و کشورهای مختلف انجام گرفت و سرانجام روحانی در آخرین لحظات حضورش در نیویورک بعد از سه دهه مناقشه به تلفن اوپاما رئیس‌جمهور آمریکا پاسخ داد (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۹۴: ۱۱).

پس از این گشایش‌ها چندین دور مذاکرات حساس و نفس‌گیر میان ایران و گروه ۵+۱ به انجام رسید و سرانجام در ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۴، «برنامه جامع اقدام مشترک» یا برجام بین ایران، چین، روسیه، فرانسه، انگلیس، آمریکا و آلمان منعقد شد. به دنبال این توافق شورای امنیت سازمان ملل در ۲۹ تیر ماه ۱۳۹۴

قطعنامه ۲۲۳۱ را به اتفاق آراء به تصویب رساند. براساس این قطعنامه خرید کالاهای دو منظوره برای ایران محدود شده، جهت خرید و فروش تسلیحات محدودیت‌هایی عنوان شده، محدودیت‌هایی برای ساخت موشک‌های برد بلند ایران ذکر شده، مکانیزم برگشت‌پذیری تحریم‌ها و الزام‌آور بودن تعهدات ناشی از قطعنامه بر قوانین داخلی برخی از دیگر محدودیت‌های اعمال شده در این قطعنامه است و در سوی مقابل با تصویب این قطعنامه ایران بطور کلی از فصل هفتم منشور ملل متحد خارج شد. اجرای این قطعنامه برای همه کشورها الزام‌آور است و به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی برای ایران، داشتن نقشه راه، برنامه زمانی مشخص و فرو ریختن رژیم تحریم‌ها از جمله دیگر مزایای این قطعنامه است (ابوالحسن شیرازی، پیشین: ۲۵-۱۷). به دنبال تصویب برجام در مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا عملاً از ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ برجام وارد مرحله اجرایی گردید و علاوه بر دستاوردهای بین‌المللی مهمی برای ایران به لحاظ جایگاه اقتصادی، در آرامش و تلطیف فضای منطقه و جهان نیز موثر واقع شد.

#### ۴-۳- آغاز ترامپ و پایان میانه‌روی

یکی از چالش‌هایی که پس از دوران اوباما در روابط دو کشور ایجاد شد پیروزی غیرمنتظره و غافلگیرکننده دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا (۱۳۹۵) بود. کابینه ترامپ به‌رغم همه اختلافات داخلی که داشت به عقیده بسیاری از کارشناسان تندروترین کابینه آمریکا حداقل در دو دهه اخیر است و در آن جنگ طلب‌ترین و افراطی‌ترین افراد حزب جمهوری‌خواه جمع شده‌اند. طی دو سال گذشته با قرار گرفتن ژنرال مایک پمپئو در سمت وزیر امور خارجه و جان بولتون در سمت مشاور امنیت ملی و جینا هاسپل در سمت ریاست سیا، تنها ژنرال جیمز متیس، وزیر دفاع میانه‌رو باقی مانده تا کابینه جنگی ترامپ تکمیل گردد (یزدان فام، ۱۳۹۵: ۱۴۴). ترامپ همچنان که وعده داده بود رویکرد سخت‌تری در قبال ایران اعمال نمود و برجام را به زیان آمریکا دانسته و وعده پاره کردن آن را داد (نیک‌منش، ۱۳۹۶: ۱۲۵). در این خصوص ابتدا به راهبرد جامع آمریکا در قبال جمهوری اسلامی در ۲۱ مهر ۱۳۹۶ و سپس خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ پرداخته می‌شود:

- راهبرد جامع آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران: رویکرد و اقدامات ترامپ نشان داده که بخشی از هویت او در تعریف اوباما بعنوان دیگری تجلی می‌یابد. فلذا اقدامات و استراتژی‌های او در نفی اقدامات اوباما و میراث اوست. از سوی دیگر او توافق برجام را بدترین توافق ممکن و شرم‌آور برای آمریکا می‌داند و درصدد خروج کم‌هزینه از آن است. وی همچنین معتقد است که تحریم‌های گذشته موفق بوده و باید نظام تحریم‌ها مجدداً بازگردد. ترامپ معتقد است، ایران تهدید اساسی علیه امنیت اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آمریکا است و سعی دارد با تقویت ایران‌هراسی سلاح‌های خود را به قیمت گزاف به کشورهای ثروتمند بفروشد. در نهایت

شواهد متعددی وجود دارد که آمریکا در دوران ترامپ به سیاست مهار و تغییر رژیم ایران بازگشته است. آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی، سازوکارهای مختلفی را تدارک دیده، بعنوان نمونه: ترامپ تلاش گسترده‌ای برای ترسیم چهره‌ای شیطنی از ایران در جهان انجام داده است و تلاش کرده تا ایران را عامل همه خرابی‌ها و بدی‌ها در منطقه و جهان و تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی نشان دهد و در همین راستا با فشار مداوم و گسترده، فضای سرمایه‌گذاری و بهره‌مندی ایران از مزایای توافق برجام را مسموم و نامطمئن نماید. در نهایت بازگشت به استراتژی تحریم‌ها قابل توجه در این حوزه می‌باشند (یزدان فام، پیشین: ۱۸۴-۱۷۹).

- خروج آمریکا از برجام: دونالد ترامپ در پیامی که در برابر رسانه‌ها بیان شد خروج آمریکا را از برجام اعلام کرد. وی رژیم ایران را بزرگترین کشور حامی تروریسم نامید که آتش جنگ را در سرتاسر خاورمیانه شعله‌ور می‌سازد. این توافق به ایران اجازه داد تا به غنی‌سازی ادامه دهد و با گذشت زمان امکان یک گریز هسته‌ای را داشته باشد. ضمناً در سال‌های پس از توافق، بودجه نظامی ایران نزدیک به ۴۰ درصد افزایش داشته است در حالیکه اقتصاد این کشور در وضع بسیار بدی قرار دارد. «من تا چند دقیقه دیگر یک فرمان ریاست‌جمهوری امضاء خواهم کرد تا روند بازگرداندن تحریم‌های ایالات متحده علیه رژیم ایران آغاز شود و بالاترین و شدیدترین سطح تحریم‌ها را اعمال خواهیم کرد.» وی همچنین مردم ایران را خطاب قرار داد و اعلام کرد ۲۷ آینده متعلق به مردم ایران است. آنها وارثان برحق یک فرهنگ غنی و یک سرزمین باستانی هستند. اتفاقات بسیار خوبی برای ایران می‌تواند رقم بخورد و چیزهای بسیار خوبی برای صلح و ثبات خاورمیانه روی دهد (ویدئوی سخنرانی دونالد ترامپ). ترامپ همچنین پس از امضای فرمانی به نهادهای مسئول در این کشور، پایان مشارکت در برجام و سایر اقدامات جهت مقابله با نفوذ ایران و دستیابی آن به سلاح هسته‌ای را اعلام نمود. وی در شش بخش به تشریح رویکردهای آمریکا پرداخت:

- سیاست آمریکا در جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و موشک قاره‌پیما؛
- پایان دادن همکاری آمریکا در برجام؛
- بازگرداندن تحریم‌های ایالات متحده حداکثر طی یک دوره ۱۸۰ روزه؛
- آمادگی جهت برخورد با اقدامات منطقه‌ای ایران علیه آمریکا و متحدان و همکاران منطقه‌ای آن؛
- نظارت بر رفتار هسته‌ای ایران و مشورت با متحدان آمریکا در این زمینه؛
- هیچ نکته‌ای نباید به شکلی تفسیر شود که برخلاف محتوای این یادداشت باشد (Whitehouse, 2018).

در حال حاضر و با پایان فرصت ۱۸۰ روزه ترامپ عملاً دور نهایی تحریم‌ها آغاز گردیده است اگرچه اتحادیه اروپا در تلاش است در قالب سازوکار مالی ویژه‌ای تحت عنوان 'SPV' مانع از فروپاشی این توافق گردد و از طرفی آمریکا با اعمال برخی معافیت‌ها به خریداران نفت ایران شرایط را تا حدودی تعدیل کرده است اما مهمترین چالش حال حاضر کشور قرار گرفتن در معرض تحریم در کنار افول سرمایه اجتماعی است.

دولت روحانی در شرایطی دولت را تحویل گرفت که در اثر مشکلات سیاسی داخلی پس از انتخابات ۱۳۸۸ و با افزایش دشواری‌های اقتصادی به دلیل تشدید تحریم‌های بین‌المللی، سرمایه اجتماعی ایران به شدت افت کرده بود. اما بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت روحانی، با کاهش تنش‌های سیاسی داخلی و افزایش امیدواری عمومی نسبت به حل مشکلات اقتصادی از طریق مذاکرات هسته‌ای، سرمایه اجتماعی بهبود یافت. موافقت ۶۵ درصدی پاسخگویان به دستیابی به توافق هسته‌ای در آبان ۱۳۹۳ و ۷۶ درصدی در شهریور ماه ۱۳۹۴ در نظرسنجی آی‌پوز و ۸۳ درصدی تیر ماه ۱۳۹۴ موسسه عصر ایران گواهی بر این ادعاست (صادقی جقه، ۱۳۹۵: ۳۹-۳۷). به‌رغم آنکه این تصمیم سخت نظام می‌توانست شرایطی را برای وفاق ملی در جهت توسعه ایجاد کند اما مخالفت‌های مخالفان و عملکردها و صدهای متعارض و حتی متضاد دستگاه‌های حاکمیتی مانع از تداوم این روند گردید. آنچه باعث تشدید و تسریع جو ناامیدی و زوال سرمایه اجتماعی شد تغییر رویکرد دولت روحانی بلافاصله پس از انتخابات ۱۳۹۶ بود بنحویکه تنها هشت ماه پس از روی رای مجدد به دولت روحانی، نظام با یکی از بی‌سابقه‌ترین ناآرامی‌ها در دی ماه ۱۳۹۶ مواجه شد. فرآیندی که برخلاف ناآرامی‌های گذشته طی سه تا چهار روز تقریباً سراسر کشور را فرا گرفت و بدون حضور نیروهای تعریف شده سیاسی پدید آمد و به شکل یک جنبش انقلابی بی‌ساختار به سرعت تسری یافت (انجمن علوم سیاسی ایران، دلاوری: ۱۳۹۶).

تعارضات مختلفی در درون حکومت‌ها و میان دوگانه ملت و دولت امکان شکل‌گیری دارند که اگر به درستی مورد توجه قرار گیرند تبدیل به مساله و پس معضل و یا بحران نخواهند شد. همان گونه که قبلاً اشاره شد انتخابات ۱۳۷۶ آغازگر دوره‌ای از تعارضات ملت و دولت بود که در عرصه‌های مختلف نمودهای عینی نیز پیدا کرد تعارضات از این دوره در دو سطح قابل بررسی هستند. اول تعارضات در سطح ملت، که ما با دو رویکرد غالب اما کاملاً متعارض در نوع نگاه به مسائل سیایت داخلی و خارجی مواجهیم. یکی از نمودهای این تعارض نحوه تعامل با ایالات متحده است به نحوی که مثلاً براساس اعلام مجله مهر در مورخ ۱۶ مهر ۱۳۹۲ و براساس نظرسنجی‌های رسانه‌های داخلی، عددی بین ۶۱ تا ۷۶ درصد مردم ایران یا آمریکا خواهان افزایش روابط دو کشور بودند. یا براساس نظرسنجی سال ۱۳۸۸ موسسه نظرسنجی ورلد‌پابلیک اوپینین ۶۸<sup>۲</sup>

<sup>1</sup> Special Purpose Vehicle

<sup>2</sup> World Public Opinion

درصد پاسخ‌دهندگان خواستار از سرگیری روابط دیپلماتیک با آمریکا بوده‌اند در عین حال درصد قابل‌تاملی نیز بر تداوم رویکرد غیر آشتی‌جویانه با ایالات متحده تاکید دارند.

در سطح دوم ما با تعارضات در سطح دولت در مفهوم عام آن مواجه هستیم. یک نوع نگاه که همچنان بر تداوم رویکرد خصمانه با آمریکا تاکید دارد. بعنوان مثال رهبری بر تداوم رویکرد خصمانه با ایالات متحده و بر تقویت روابط با شرق و غرب به جزء آمریکا تاکید دارند (دیدار با هیات دولت ۲۴ تیر ماه ۱۳۹۷). نمودهایی از نقض عهد آمریکا، در تداوم این رویکرد موثرند. بعنوان نمونه عدم دریافت پاسخ مناسب به حسن نیت ایران در ماجرای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان و ماجرای همکاری در جنگ افغانستان از جمله این مواردند. اما شاید بدعهدی آمریکا و خروج از برجام بارزترین نمونه این رویکرد، در سالیان اخیر باشد. توافقی که به‌رغم تعارضات مختلف در درون دولت، در اثر گزینش رویکردی متفاوت و بی‌سابقه و با مذاکره مستقیم ایران و آمریکا شکل گرفت اما با شکست این توافق، بار دیگر منجر به تقویت رویکرد منازعه‌جویی با آمریکا گردید. اما در شرایط حاضر نیز صداهای متفاوتی درخصوص نحوه تعامل با آمریکا به گوش می‌رسد از جمله هاشم بطحایی نماینده مجلس خبرگان رهبری گفته «آمریکایی‌ها از فرعون بدتر نیستند» و مقام‌های جمهوری اسلامی هرگز «در مذاکره را نمی‌بندند» و یا میرزایی نیکو و پارسایی دو نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در واکنش به پیشنهاد ترامپ گفتند «رئیس‌جمهور باید با استفاده از اختیارات خود رفراندوم برگزار کند» در حالیکه رئیس‌جمهور نیز در سخنرانی‌های مختلف بر لزوم برگزاری همه‌پرسی در موضوعات مورد اختلاف اشاره کرده است اما گویی هنوز شرایط لازم جهت عمل به این بخش از قانون اساسی فراهم نگردیده است.

## نتیجه‌گیری

در تعاملات ملت و دولت مشکلات متفاوتی امکان‌ظهور و بروز دارد که اگر به درستی تعریف شود تبدیل به مساله می‌شود اگر به مسائل در زمان مناسب پاسخ داده نشود تبدیل به معضل می‌شوند و معضلات تا زمانی که قابلیت بازگشت به شرایط اولیه را داشته باشند تبدیل به بحران نمی‌شوند. اگرچه یکی از بحران‌های چهل ساله نظام جمهوری اسلامی، بحران روابط ایران و آمریکا است اما از منظر این مقاله، ما در عین حال با یک بحران دیگر نیز درخصوص نوع روابط با آمریکا مواجه‌ایم و آن بحران تعارض در نگاه ملت و دولت در روابط با آمریکا است. تجربه تاریخی قریب به دو‌یست ساله روابط را می‌توان در چهار دوره تقسیم‌بندی نمود. در دوران ابتدای روابط تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عملکرد دولت و شخصیت‌های آمریکایی در ایران مورد نگاه مثبت مردم و دولت قرار دارد اما پس از این دوران و تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ دولت درصد

توسعه روابط با ایالات متحده برآمده است اما در سوی مقابل وجهه مثبت این کشور در میان مردم و بسیاری از روشنفکران جامعه مخدوش گردیده است. پس از پیروزی انقلاب و بویژه با اشغال سفارت آمریکا در تهران همراستایی ملت و دولت در نگاه منفی به ایالات متحده را شاهد هستیم که با انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ بار دیگر برخی تعارضات درونی نظام به نمود عینی رسیده و تاکنون نیز تسری یافته‌اند. بنحویکه در درون اقشار جامعه نوع نگاه کاملاً منفی به آمریکا تغییر کرده و برطبق برخی نظرسنجی‌ها اکثریت نسبی مخاطبان، خواهان کاهش تنش و گسترش روابط هستند اما در سوی دیگر، دولت در مفهوم عام آن کماکان بر دشمنی و تداوم ستیز با آمریکا تاکید دارد.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، *تاریخ ایران مدرن*، مترجم: محمدابراهیم فتاحی، چ ۹، تهران: نشر نی.
- ۲- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله و دیگران (۱۳۹۴)، *سیاست و حکومت در خاورمیانه*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۳- اخوان زنجانی، داریوش و دیگران (۱۳۷۷)، «بررسی تحولات تاریخ روابط ایران و آمریکا (گفتگوی مشترک جمعی از اساتید علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تاریخ معاصر)»، نشریه *روش‌شناسی تاریخ شفاهی یاد*، ش ۵۱.
- ۴- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۵)، *روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰*. چ ۱۸، تهران: نشر قومس.
- ۵- اسدی، علی و تهرانیان، مجید (۱۳۹۶)، *صدایی که شنیده نشد: نگرش‌های اجتماعی - فرهنگی و توسعه نامتوازن در ایران گزارشی از یافته‌های طرح «آینده‌نگری»*، چ ۶، تهران: نشر نی.
- ۶- اصغری، محمود (۱۳۸۵)، «ساختار نظام آموزشی ناکارآمد و پیامدهای آن»، *نشریه پژوهش اجتماعی - اسلامی*، ش ۶۱.
- ۷- افشین وفایی، محمد و فیروزبخش، پژمان (۱۳۹۴)، *یادداشت‌های روزانه محمد علی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس دسامبر ۱۹۱۸- اوت ۱۹۲۰*، تهران: نشر سخن.
- ۸- انجمن علوم سیاسی ایران (۱۳۹۶)، «نشست علمی بررسی ابعاد ناآرامی‌های دی ماه ۹۶»، سخنرانی خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- ۹- بیل، جیمز (۱۳۷۱)، *شیرو عقاب*، مترجم: فروزنده برلیان، تهران: نشر فاخته.
- ۱۰- پولاک، کنتام (۱۳۸۸)، *معمای ایران تعارض در روابط ایران و آمریکا*، مترجم: مهرداد صمیمی، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.



- ۱۱- تاجزاده، سید مصطفی (۱۳۹۷)، «سه سند رهایی؛ تک صدایی، براندازی یا اصلاحی؟»، **سخنرانی در جمع اصلاح طلبان دماوند**.
- ۱۲- تخشید، محمدرضا و علوی، سید محمدعلی (۱۳۹۵)، «روابط ایران و آمریکا: از گام‌های اعتمادساز تا برخوردهای زورمدار»، **نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، ش ۳۰۳.
- ۱۳- توحیدی، ارسطو (۱۳۸۱)، «تحلیلی بر تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران»، **نشریه مطالعات دفاعی استراتژیک**، ش ۱۵.
- ۱۴- تهامی، مجتبی و دیگران (۱۳۸۰)، **سیاست آمریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۵- حاتمی‌راد، منصور (۱۳۸۵)، «ژئوپولیتیک ایران»، **نشریه پیام**، ش ۸۱.
- ۱۶- حسینی متین، سید مهدی (۱۳۹۱)، **رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد**، تهران: نشر موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۷- خبیری، کابک و محمدی، منوچهر (۱۳۹۶)، «تاثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا»، **نشریه مطالعات روابط بین‌الملل**، ش ۳۷.
- ۱۸- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چ ۶، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۱۹- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۵۰)، **تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا**، تهران: نشر کتابخانه طهوری.
- ۲۰- سوری، جواد (۱۳۸۴)، «از تنش‌زدایی تا تعامل سازنده و موثر، بازتاب جهانی شدن در سیاست خارجی خاتمی»، **نشریه راهبرد**، ش ۳۶.
- ۲۱- صادقی جقه، سعید (۱۳۹۵)، «سرمایه اجتماعی ایرانیان در آئینه مذاکرات هسته‌ای و برجام»، **نشریه مطالعات راهبردی**، ش ۷۲.
- ۲۲- علیزاده، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «ریشه‌های منازعه بین ایران و آمریکا»، **نشریه دین و سیاست**، ش ۲۲-۲۱.
- ۲۳- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، **تاریخ مشروطه ایران**، ج ۲، چ ۱۶، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۲۴- کیوان حسینی، اصغر (۱۳۸۸)، **لابی یهود و سیاست خارجی آمریکا**، مشهد: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۲۵- مجله حقوقی بین‌المللی (۱۳۶۳)، «اسناد بیانیه‌های الجزایر»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، ش ۱.
- ۲۶- منصوری، جواد (۱۳۸۲)، «چالش‌های امنیتی ایران و آمریکا»، **نشریه اندیشه انقلاب اسلامی**، ش ۶.
- ۲۷- موسویان، سیدحسین (۱۳۹۳)، **ایران و آمریکا گذشته شکست خورده و مسیر آشتی**، تهران: نشر تیسرا.

۲۸- موسویان، سیدحسین (۱۳۹۴)، **روایت بحران هسته‌ای ناگفته‌های یک دیپلماتیک**، مترجم: رحمان قهرمان-پور، تهران: نشر تیسرا.

۲۹- مومن‌زاده، رضا (۱۳۸۳)، «نگاهی اجمالی به مهمترین تحولات روابط ایران و آمریکا»، **نشریه مطالعات جنگ ایران و عراق**، ش ۱۰.

۳۰- میلانی، عباس (۱۳۸۰)، **ابوالهول ایرانی: امیرعباس هویدا و معمای انقلاب ایران**، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر پیکان.

۳۱- میلسپو، آرتور (۱۳۷۰)، **آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات جنگ جهانی دوم)**، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز.

۳۲- نامه اتاق بازرگانی (۱۳۹۴)، «مروری بر دو سال مذاکرات هسته‌ای در دولت روحانی دیپلماسی هسته‌ای از نیویورک تا وین»، **نامه اتاق بازرگانی**، س ۸۵، ش ۱۰۱.

۳۳- نیک‌منش، رضا (۱۳۹۶)، «تاثیر استراتژی آمریکا بر موقعیت منطقه‌ای ایران»، **نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، ش ۷۱.

۳۴- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۳)، **سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰**، تهران: نشر البرز.

۳۵- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، **نشریه مطالعات راهبردی**، ش ۷۴.

لاتین:

36- <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/ceasing-u-s-participation-jcpoa-additional-action-caunter-irans-malign-influence-deny-iran-paths-nuclear-weapon>.

37- [http://undocs.org/s/RES/1737\(2006\)](http://undocs.org/s/RES/1737(2006)).

38- [https://Undocs.org/s/RES/\(2008\)](https://Undocs.org/s/RES/(2008)).